

رابطه انگیزه پیشرفت با تفکر انتقادی

شهره متقیان، افسانه مرزیه

(دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان)

(استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان)

چکیده:

مسئولیت معلم نسبت به گذشته سنگین تر شده است. دیگر نمیتوان با روشهای سنتی، جامعه. افراد آن را به سوی یک تحول پیشرفته سوق داد (شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۱).

تفکر و تخیل نیروهایی هستند که زندگی را می شکوفانند، ما یاد دهندگان باید راه تفکر و تخیل را برای یادگیرندگان باز بگذاریم تا بتوانند پرواز کنند و به هر جا می خواهند بروند و در اوج پرواز، به رضایت برسند.

در دنیای فعلی موضوع اساسی، که انسان هایی است که بتوانند درست فکر کنند. فراگیران برای روبرو شدن با تحولات شگفت انگیز قرن بیست و یکم باید بطور فزاینده ای مهارت های تفکر را برای تصمیم گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه کسب کنند. از دیدگاه اسلام سرچشمه اصلی تمام نیروهای انسانی، تفکر است و قرآن بارها انسان ها را به تفکر در مسائل خلقتی، انسان شناسی، تاریخ و حتی مسائل تغذیه ای توصیه کرده است (تذکری، ۱۳۸۹).

تفکر انتقادی فرآیند نظام دار جداسازی واقعیت از خیال است. این نوع تفکر ابزاری کارا، برای پیدا کردن بهترین مسیر در لابلای فوران اطلاعات روزانه به حساب می آید. یکی از مهم ترین تعاریف تفکر انتقادی، تعریفی

زمینه تفکر انتقادی انگیزه پیشرفت از متغیرهای کلیدی در نظام آموزشی هستند که زمینه رشد و ارتقای شناخت، نگرش و مهارت های دانش آموزان را فراهم می آورند، بنابراین اجرای برنامه ای که زمینه شکوفایی این متغیر را فراهم آورد از اهمیت خاصی برخوردار است. تفکر انتقادی مستدل و منطقی است که بر تصمیم گیری ما در خصوص آنچه می خواهیم انجام دهیم یا باور داشته باشیم

تفکر انتقادی توانایی تحلیل اطلاعات و تجارب است. آموزش این مهارت ها نوجوانان را قادر می سازد تا در برخورد با ارزش ها در برابر فشار گروه و رسانه های گروهی مقاومت کنند و از آسیب های ناشی از آن در امان باشند. هدف این تحقیق بررسی رابطه انگیزه پیشرفت با تفکر انتقادی به روش مروری متون و مقالات مربوط به انگیزه پیشرفت در ابعاد مختلف تفکر انتقادی در کودکان و نوجوانان می باشد. در ابتدا به تعریف تفکر انتقادی و راهکارهایی برای ایجاد این نوع تفکر در کودکان می پرداختیم و در رابطه با تفکر به عنوان یک حالت و خصیصه ثابت شد. انگیزش عبارت است از آغازگری، جهت گیری، شدت و تدوام رفتار (گین، ۱۹۹۴).

یافته های پژوهش بیانگر این است که تفکر انتقادی در انگیزه نقش بسیار حائز اهمیت داشته است و یاد گیری بدون انگیزه و تفکر مانع کشف استعدادها و نهاده های درونی کودکان و نوجوانان می شوند و جرأت عمل را از آنها می گیرد. در نتیجه رفتاری که از آنها سر می زند، با آنچه که یاد گرفته اند، همخوانی ندارد و منطبق نمی شود.

کلید واژه ها: تفکر انتقادی، انگیزه پیشرفت، یادگیری، کودکان

مقدمه:

نظام آموزشی و فعالیتهای حاکم بر آن با توجه به پیشرفت جوامع همواره دست خوش تغییر و تحول است. تحول آموزشی خود معلول تحول اجتماعی و تحول علوم و تکنولوژی است. با پیشرفت علوم و فنون و پیچیده شدن نیازهای فردی و اجتماعی نیز پیچیده و متنوع می شوند و ارضای آنها احتیاج به علوم و فنون پیچیده دارد. به این جهت

است که رابرت انیس^۱ (۱۹۸۷) ارائه نموده است. به عقیده وی تفکر انتقادی

مستدل و منطقی است که بر تصمیم گیری ما در خصوص آنچه می خواهیم انجام دهیم یا باور داشته باشیم، متمرکز است (خجسته، ۱۳۹۳).

(لیپمن^۲ ۱۹۹۸) بیان می کند که تفکر انتقادی، تفکری ماهرانه و پاسخگو است که دآوری خوب راتسهیل می کند زیرا متکی بر ملاک، خود تصحیح کننده و نسبت به شرایط حساس است (خلیلی، سهرابی، رادمنش، ۱۳۹۰). از جمله زمینه هایی که در تفکر انتقادی غالباً به آن اشاره می شوند، شامل شناسایی و ارزیابی فرضیات، تحلیل و ترکیب اطلاعات مطالب، تفکر در مورد دیدگاه های متفاوت، ارزیابی شواهد، توانایی تحمل تردید و ابهام، حمایت از مدارک و شواهد و انعکاس عقاید خود است (میلنر^۳، ۲۰۱۴). هفت مؤلفه تفکر انتقادی عبارت است از: